

# صف بندی برای تقابل از راس حاکمیت تا درون جامعه

آن سرنوشتی که حاکمیت نظامی- اتمی برای ایران رقم زده - خواه برخاسته از تحلیل اوضاع ایران و جهان باشد و خواه با هدایت عوامل خارجی پنهان در نهادهای نظامی و غیر نظامی- محتوم و بازگشت ناپذیر است؟ یعنی ما می رویم به سوی فاجعه یک جنگ موشکی و اتمی و از دل آن بزرگترین و تاریخی ترین ویرانی بیرون خواهد آمد؟

بنظر می رسد که این سؤال، اکنون از مرحله مخالفان خارج از حاکمیت و حتی اپوزیسیون جمهوری اسلامی فراتر رفته و به پرسش کسانی در راس حاکمیت تبدیل شده است. تلاش ها و تکاپوها، موضع گیری ها و سخنرانی ها و مصاحبه ها، مقالات و اظهار نظرهای برخی روحانیون نوک پیکان حاکمیت و غیر روحانیونی که در کنار این نوک پیکان حرکت می کنند این ارزیابی ما را تأیید می کند. یعنی در بخشی از نوک پیکان حاکمیت نیز اکنون این پرسش مطرح است که سرنوشت حاکمیت نظامی - اتمی در جریان یک جنگ خانمان برانداز روشن خواهد شد و یا راه حلی داخلی برای تعیین تکلیف این سیاست و حاکمیت می توان پیدا کرد؟ این گمان، پندار بافی نیست که در میان فرماندهان سپاه نیز باید کسانی حضور داشته باشند که با سیاست نظامی- اتمی حاکم موافقت ندارند. حتی بخشی از تغییراتی که با برکناری فرمانده سابق سپاه و انتصاب فرمانده جدید شروع شد و ادامه دارد نیز می تواند ناشی از همین ناهمسویی با سیاست نظامی- اتمی حاکم باشد.

بخشی از مخالفت و تقابل رو به رشدی که نشانه های آن در حاکمیت بروز کرده و به آن اشاره کردیم، ریشه در رقابت بر سر قدرت و حفظ منافع اقتصادی دارد، همانگونه که بخش مهمی از انگیزه مدافعان سیاست نظامی- اتمی نیز ریشه در قدرت طلبی و حفظ و گسترش منافع اقتصادی دارد. اینها نکاتی نیست که از آن غافل باشیم، اما اشاره ما در این سرمقاله توجه و دقت به تقویت جبهه مخالف سیاست جنگی حاکم و صف آرائی های این جبهه در برابر جبهه طرفدار سیاست نظامی - اتمی است. این توجه و دقت از آنجا ضروری است که هر جبهه ای ناچار به تقویت خود است و هیچ تقویتی بدون جلب و جذب نیروهای دیگر ممکن نیست. بنابراین، در وجود این جبهه گیری و تقابل همانقدر که خطر قلع و قمع وجود دارد، امکان مانورها و تقویت حضور در صحنه نیز وجود دارد. نه تنها انتخابات آینده ریاست جمهوری، نه تنها صف بندی در کمیسیون های مجلس، نه تنها جابجائی ها و آرایش جدید فرماندهی و نمایندگی های ولی فقیه در سپاه، نه تنها دگرگونی در مدیریت جامعه روحانیت مبارز و حوزه علمیه قم، بلکه باز و بسته شدن روزنامه ها و تعیین سیاست ها و منش ها در احزاب و سازمان های سیاسی و یا کانون های غیر دولتی نیز، همه و همه متاثر از این تقابل هست و در آینده بیش از امروز خواهد بود.

زمینه سازی برای حمله به ایران، مذاکرات اتمی، مذاکرات سیاسی، سیاست منطقه ای و حتی برقراری مناسبات رسمی با امریکا نیز متاثر از همین تقابل است. تقابل رو به رشدی که از نظر ما، حداقل بخشی از مدافعان سیاست نظامی حاکم می کوشد با برپائی جنگ و تسویه حساب های سیاسی در داخل کشور و حتی راه انداختن حمام خون زمینه سلطه کامل خود بر جبهه مقابل و قبضه کامل قدرت را فراهم آورد. برخی تحلیلگران واقع بین داخل کشور از خود می پرسند حاکمیت نظامی کنونی برای بستن فضای سیاسی و تسویه حساب های درونی حکومت چه نیازی به تحریک امریکا برای حمله به ایران دارد. این فضا که بسته تر از این نمی شود و حاکمیت هم عملاً در اختیارشان است. این افراد نیمه پر لیوان آب را می بینند. آنها آن نیمه دیگر را نمی بینند که حاکمیت طرفدار جنگ و یا حداقل بخش مهمی از این حاکمیت

نه تنها امید دارد، بلکه نقشه دارد که با شروع حمله و برپائی جنگ، پس از سرکوب خونین در داخل کشور و رها ساختن خود از اما و اگر هائی که هنوز ریشه در انقلاب ۵۷ دارد بتواند با امریکا وارد بزرگترین معامله سیاسی شود. آنها براین تصورند که تنها در اینصورت، یعنی در صورت پاک کردن صفحه سیاسی ایران از آخرین بازمانده های انقلاب ۵۷ و برقراری اختناق کامل خواهند توانست با امریکا وارد معامله بزرگ شوند و بزرگترین امتیازها را بدهند تا حکومتشان ضمانت امریکائی بدست آورد. به شعارهای امروز آنها نباید توجه کرد، به مسیری که طی می شود و طی می کنند باید توجه کرد. آنها امیدوارند چنین جمهوری اسلامی اتمی را امریکا بپذیرد و شمشیر زن خود در خلیج فارس و خاورمیانه کند و سهمی هم از بازار خلیج فارس و خاورمیانه در اختیارشان بگذارد. آنها برای چنین معامله و حمایتی حاضرند به خواست امریکا، ایران را سکوی پرش علیه روسیه کنند و در جدال و رقابت اروپا و امریکا در کنار امریکا قرار بگیرند. سیاست تحریک امریکا و حتی اسرائیل برای حمله به ایران در این اهداف نیز نهفته است.

ایران در این تنگنا قرار گرفته است و برخلاف آنچه که بسیاری تصور می کنند، خلاصی از این تنگنا نه تنها آسان نیست، بلکه قابل مقایسه با تمام تنگناها و تقابل ها و رقابت های ۳۰ سال گذشته نیست. به همین دلیل، این احتمال که به سمت حوادث و مقابله های خونین برویم روز به روز بیشتر می شود. حتی خنثی سازی خطر حمله و جنگ نیز می رود تا از دل یک تقابل خونین و نظامی در داخل کشور بیرون بیاید. به همین دلیل، بحث امروز این نیست که این کاندیدای اصلاح طلب برای ریاست جمهوری بهتر است یا آن دیگری. آن گروه راست دست بالا را در تقلب انتخاباتی خواهد داشت و یا این دیگری. اینها به جای خود مهم هست، اما بحث ریشه ای در جای دیگر است. حوادث بزرگ به این ریشه ها باز می گردد.

راه توده ۱۸۵ ۱۴,۰۷,۲۰۰۸